

پرونده ایران، تله آمریکا برای اروپا بود

بخش دوم گفت‌وگو با امیراحمدی

کد خبر: ۱۴۱۳۹

تاریخ: ۲۱ تیر ۱۳۸۷ - ۱۰:۴۴

تابناک: آیا سنگ‌اندازی آمریکا در مسیر مذاکرات هسته‌ای ایران در قالب مذاکرات «1+5» به علت احساس خطر این کشور از حذف معادلات منطقه‌ای یا تضعیف هیمنه‌اش در عرصه جهانی نیست؟

امیراحمدی: به نظر من، یکسری اشتباهات در بحث هسته‌ای توسط ایران انجام شده است که برای حل این مسئله، نخست باید آن اشتباهات تصحیح شود و شاید مهمترین آن این بود که به اروپا اجازه ورود به بحث هسته‌ای را داد، در صورتی که مشکلی برای تحقیقات هسته‌ای ایران به وجود آمد، ساخته و پرداخته آمریکایی‌ها بود و اروپایی‌ها از ابتدا مشکل جدی با مسئله هسته‌ای ما نداشتند. آن موقعی که طرف ایرانی تصمیم گرفت اروپایی‌ها را به عنوان طرف مذاکرات انتخاب کند، هشدار دادم که با اروپایی‌ها مذاکره نکنیم؛ چون اینها اگر اجازه ورود و بازرسی پیدا کنند، حتی به زیرزمین حرم امام رضا هم رحم نمی‌کنند و می‌خواهند آنجا را هم بگردند و سرانجام هم به تمام آنچه در ذهن دارند، تن بدهیم، اما قدرت تصمیم‌گیری ندارند و آخر کار، باز گوش به فرمان آمریکایی‌ها هستند.

بگذارید سخن یکی از مذاکره‌کنندگان ارشد هسته‌ای ایران را نقل قول کنم که می‌گفت: هر وقت ما با اروپایی‌ها جلسه داشتیم، یک گروهی از آمریکایی‌ها هم در اتاق کناری بودند و وقتی به یکسری توافقات با مقامات اروپایی رسیدیم، آنها اجازه تنفس می‌خواستند؛ در همین زمان استراحت می‌رفتند پیش آمریکایی‌ها، آمریکایی‌ها هم با ترفندهایی و ارایه یکسری مدارک (جعلی یا واقعی) جدید به آنها، جریان مذاکرات را تغییر می‌دادند، به گونه‌ای که پس از بازگشت به میز مذاکرات، همه سخنان قبلی خود و تعهدات چند دقیقه پیش خود را انکار می‌کردند و گاه مواضعی مخالف مواضع قبلی خود در پیش می‌گرفتند. طرف ایرانی چون نمی‌خواست با آمریکا مستقیماً وارد مذاکره شود، رفت سراغ اروپایی‌ها ولی به این مطلب توجه نداشت که آمریکایی‌ها نخواهند گذاشت دو طرف به مصالحه برسند.

تابناک: آمریکایی‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی هر طور که توانسته‌اند، سعی در مخدوش کردن چهره ایران در مجامع بین‌المللی داشته‌اند، به همین دلیل، مقامات عالی رتبه ایران همواره با یک سووطن که خیلی مواقع هم دور از ذهن نیست، به کاخ سفید نگرسته‌اند، از این روی، باید ایران را محق بدانیم که تمایل بیشتری برای مذکره با هر کس جز آمریکا داشته باشد.

امیراحمدی: همه مسائلی که در رابطه با ایران از سوی آمریکایی‌ها مطرح می‌شود، یک مسئله حاشیه‌ای است و به قول معروف، بهانه است. مسئله آنها حقوق بشر، تروریسم یا تکنولوژی هسته‌ای نیست، وگرنه همین کشورهای عربی منطقه یا حکومت پهلوی بزرگترین ناقض حقوق بشر بودند و هستند و آمریکا با آنها رابطه حسنه‌ای داشته و دارد یا پاکستان که دولتش مورد حمایت آمریکاست، هم ناقض حقوق بشر است و هم مجهز به تسلیحات اتمی. پس مشکل آمریکا با ایران هیچ کدام از این مسائلی که در چند سال اخیر مطرح شده، نیست. مشکل به نظر من این است که هر دو طرف احساس می‌کنند که طرف مقابل علیه منافع ملی دیگری عمل می‌کند. در دیپلماسی خارجی اتفاقاتی که به واقعیت می‌پیوندند، مهم نیست، بلکه آنچه مهم است، احساس و درک متقابل است.

تابناک: خوب ما هم از آغاز انقلاب، صحبت‌مان این است که نمی‌خواهیم مثل کشورهای دیگر، سرزمین و منابع خود را در اختیار آمریکایی‌ها بگذاریم و آن وقت به جان مردم خود بقتیم و مردم و حکومت، مردم‌سالاری را به استبداد و سرسپردگی آمریکا و امثالهم برگزیده‌اند.

امیراحمدی: سطح و چگونگی روابط کشورها با آمریکا بسته به نوع حکومت‌ها و فرهنگ مردمان متغیر است. رابطه آمریکا با کشورهای غیر دموکراتیک و دیکتاتوری، شکل استعماری به خود می‌گیرد، وگرنه همین الان بین کشورهای همچون چین، روسیه، مالزی، کانادا و کشورهای اروپایی و آسیایی با آمریکا روابطی بر پایه احترام متقابل تعریف شده و اصولاً آمریکا با کشورهای مثل ایران که در آنها نظام‌های مردمی برقرار است، نمی‌تواند و نخواهد توانست روابط استعماری داشته باشد.

تابناک: شما اشاره کردید که دو طرف برداشت می‌کنند یا احساس می‌کنند که علیه منافع ملی همدیگر فعالیت می‌کنند، ولی آمریکا رسماً علیه منافع ما وارد جنگ شده است؛ از جمله دخالت آمریکا در کودتاهایی چون سقوط هواپیمای ایران، قطعنامه‌های پی‌درپی و تحریم‌های اقتصادی که نشان می‌دهد برداشت ما از رفتار آمریکا یک احساس نیست، بلکه واقعیت است.

امیراحمدی: من هم با برخی عملکردهای این کشور مخالف هستم، مثلاً مقاله‌ای نوشتم به نام «قطعه‌های یدکی آمریکایی و جان ایرانی»، که به موضوع تحریم‌های هواپیمایی ایران توسط آمریکا و سقوط هواپیمای ایرانی برمی‌گشت و در آنجا به شدت از این‌گونه سیاست‌های آمریکا انتقاد کردم. اما تقصیر آمریکا چیست؟ آمریکا یک کشور منفعه‌طلب است و وقتی فکر می‌کند منافعی از سوی ایران تهدید می‌شود، خوب بدهی است که برای تضمین منافع خود هر اقدامی بتواند انجام دهد، به کار بندد. روزی یکی از مقامات آمریکایی به من گفت: زبان‌هایی که ما از ایران در این چندین سال دیده‌ایم، از هیچ کشور و حکومت دنیا، حتی ویتنام هم ندیده‌ایم.

تابناک: به نظر شما، برقراری رابطه آمریکا و ایران، بیشتر به سود ایران است یا آمریکا؟

امیراحمدی: به نظر من هر دو کشور به این رابطه نیازمندند؛ ولی فکر کنم که این رابطه بیشتر به نفع ایران است. آمریکا حدود 27 درصد از اقتصاد دنیا را تشکیل می‌دهد، دارای مراکز مهم علمی و تحقیقاتی است، صاحب تکنولوژی‌های نو و دست اول است که ایران برای دسترسی به آنها، مجبور است به چند برابر قیمت از روس‌ها، چینی‌ها یا از اروپایی‌ها تهیه کند و در عوض موقعیت استراتژیک، منابع نفت و گاز سرشار ایران نیز قابل توجه است.

تابناک: ببینید دولت و ملت ایران برای هر رابطه‌ای یک سقف امتیاز دادن دارند و حاضر نیستند به هر قیمتی با یک کشور یا یک گروه رابطه برقرار کنند، برای همین، برای دولتمردان ما مهم است که خواسته‌های آمریکا از ایران چیست؟

امیراحمدی: هم‌اکنون تعلیق موقت غنی‌سازی تا یک زمان مشخص، خواسته آمریکا است و این به معنی تعلیق دائم نیست.

تابناک: ایران یک تجربه دو ساله از تعلیق غنی‌سازی دارد. بعدها رهبر انقلاب گفتند: این تجربه یک تجربه تلخ بود، ولی خوب شد که ما آن را تجربه کردیم و دیدیم که طرف مقابل عملاً در این مدت هیچ گام مؤثری در راستای عمل به تعهدات برنداشت.

امیراحمدی: درست است، اما تجربه رفع تعلیق و اصرار بر غنی‌سازی چه بوده است؟ قطعنامه‌های پیاپی و تحریم‌های اقتصادی، نتیجه ادامه غنی‌سازی بوده است.

تابناک: اینجا یک تناقض دیده می‌شود. این که می‌گویند مسئله آمریکا تکنولوژی هسته‌ای، حقوق بشر و یا دیگر مسائلی مطرح شده در این چند سال نیست و از سوی دیگر، می‌گویند خواسته کنونی آمریکا تعلیق غنی‌سازی است.

امیراحمدی: همان‌گونه که گفتیم، مشکل احساس یا همان برداشت خطر ضربه به منافع ملی است که آمریکا‌پی‌ها از عملکرد دولت ایران دارد، البته نقش لابی‌های عربی و اسرائیلی و اروپایی در این بین انکار ناشدنی است، معتقدم که رابطه ایران و آمریکا دشمنان بسیاری دارد و به عبارت دیگر، به جز کشورهای معدودی، بیشتر کشورهای از این رابطه احساس خطر می‌کنند، برای همین، لابی‌های بسیاری در آمریکا دارند و تلاش می‌کنند که از برنامه‌های هسته‌ای، دفاعی و ... ایران یک تصویر منفی در ذهن دولتمردان آمریکا ایجاد کنند. پس اگر این بار مذاکراتی بر سر مدت تعلیق با دولت آمریکا بدون حضور طرف‌های ثالث انجام شود، مطمئناً به نتیجه خواهد رسید. و گمان می‌کنم لابی‌های کشورهای اروپایی و بلوک شرق در ورود این کشورها به مذاکرات هسته‌ای نقش داشتند؛ امری که نه تنها سرانجام برای ایران ثمر نداشت، بلکه به ضرر خود این کشورها هم تمام شد.

تابناک: ضرر کشورهای اروپایی و بلوک شرق چه بود؟

امیراحمدی: این کشورها سال‌ها بود که از دعوای بین ایران و آمریکا سود می‌بردند، چون آمریکا عملاً از تجارت با ایران در حجم گسترده بی‌بهره بود و در عوض شرکت‌های اروپایی، روسی، چینی و ... در پروژه‌های سودآور ایران از جمله طرح‌های نفت و گاز ایران حضور چشمگیر داشتند، اما عملاً می‌بینیم که در شورای امنیت روسیه، چین، انگلستان و فرانسه به دست خودشان تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کردند که در اصل علیه خودشان بود و شرکت‌های آنان را از بازار پرسود ایران بی‌بهره کرد.

تابناک: یعنی شما می‌گویید طرح تشکیل گروه کشورهای «5+1»، نقشه و ترفند آمریکا‌پی‌ها بود؟

امیراحمدی: در ابتدا که این حرکت آغاز شد، توسط آمریکا‌پی‌ها نبود، اما پس از پیشرفت این روند، آنها به حمایت از این مذاکرات پرداختند و در عمل، طرف‌های مذاکره‌کننده با ایران، آنها را که در عراق بازی داده نشده بودند، به یک بازی باخت - باخت، کشاندند که اگر هر کجا از این مذاکرات به جانبداری از ایران، از مذاکرات کنار می‌کشیدند، به معنی به بن‌بست رسیدن دیپلماسی بود و آن گاه آمریکا‌پی‌ها خود را محق می‌دانستند که موضوع را آن گونه که می‌خواهند، به پایان برسانند و اگر هم غیر از این عمل می‌کردند، به همین جایی رسیدند که هم‌اکنون علیه منافع اقتصادی خودشان قطعنامه امضا می‌کنند. با این حساب آنها اگر قطعنامه‌های تحریم ایران را امضا کنند، در واقع، علیه خودشان رأی داده و خودشان را از منافع اقتصادی در ایران محروم می‌کنند و اگر هم وتو کنند، دست آمریکا را برای یافتن بهانه پایان دیپلماسی باز گذاشته‌اند، چون شورای امنیت، در واقع، شورای جنگ است و در عراق هم با وتوی قطعنامه توسط چین و روسیه، راه برای جنگ باز شد.

تابناک: به نظر می‌رسد شما در تحلیل‌های خود، وزن دیپلماسی آمریکا و محوریت این کشور را بیش از اندازه مینا قرار می‌دهید و به قول معروف، زیاد دم از آمریکا می‌زنید؟

امیراحمدی: نخست این‌که من درصدمد کاری کم رابطه ایران و آمریکا بهتر از گذشته شود و دوم آن‌که من این را از اسرائیلی‌ها یاد گرفتم؛ آنها هیچ گاه نمی‌گویند منافع اسرائیل ایجاب می‌کند که آمریکا این کار یا آن کار را نکند، بلکه همیشه می‌گویند: منافع آمریکا اقتضا می‌کند با ایران برخورد کند یا در لبنان دخالت کند و از بین این آمریکا، آمریکا گفتن، اسرائیل درمی‌آوردند. در دیداری که درست دو ماه پیش از 11 سپتامبر با «جورج شولتز»، وزیر دفاع ریگان و یکی از افراد برنقوذ در دولت بوش داشتم، گفت: من در چهار بخش، مشکل ایران و آمریکا را طرح و حل می‌کنم:

1. هیچ گاه خودمان را به خاطر دادن ایران نمی‌بخشیم.

2. ضرر و زبانی که ما در این چند سال از جمهوری اسلامی دیدیم در هیچ کجا ندیدیم، و حتی جنگ ویتنام، خسارتی به مراتب کمتر از این چالش برای ما داشت.

3. ما می‌دانیم که زور و برخورد فیزیکی با ایران پاسخ می‌دهد، ولی هیچ گاه توانایی تحمل پیامدهای این برخورد را در درازمدت نداشته‌ایم و نه خواهیم داشت.

4. من حاضر به عنوان کسی که رایس و بوش از من حرف شنوی دارند، برای حل و فصل این دلخوری‌ها میانجیگری کنم، ولی شرط آن است که پیامی رسمی از مقامات عالی‌رتبه ایران مبنی بر تمایل آنها دریافت کنم. تنها پس از دو ماه از دریافت پیام، دو ماه وقت نیاز داریم. پس از آن دیدار که چند ماه پیش از ماجرای یازدهم سپتامبر بود، با آقای نژادحسینیان، سفیر وقت ایران در سازمان ملل دیدار کردم و موضوع را با وی در میان گذاشتم، از قضا وی چند روز بعد به ایران رفت و پس از سه یا چهار هفته بازگشت. وقتی از او نتیجه را جویا شدم، او با لبخند پاسخ داد: با آقای خاتمی در میان گذاشتم و گفتند که من بیشتر پاسخ خود را در سخنرانی‌هایم داده‌ام و هنگامی که گفتم: کدام سخنرانی، گفت: من پیدا نکردم و در پایان نژادحسینیان به من گفت که حامل پیام رسمی نیست.

تابناک: فرض کنید ایران بخواهد با آمریکا رابطه برقرار کند، خوب می‌تواند از راه دیپلمات‌های خود از سوی دولت، کسی را مأمور به انجام این کار کند و روشنتر بگوییم، به شما چه نیازی هست؟

امیراحمدی: من خودم، خود را مأمور کرده‌ام و افتخارم این است که در دو سال گذشته، تلاش کرده‌ام با روابط دوستانه‌ای که با برخی مقامات بلندپایه آمریکا‌پی دارم و همچنین لطفی که مقامات ایرانی دارند، زمینه مذاکرات دو جانبه بین مقامات دو دولت را برقرار کنم. لایبست یعنی کسی که مغز طرف مقابل را می‌شوید و او را با توجه به منافع خودش توجیه می‌کنند. هیچ گاه صهیونیست‌ها در آمریکا تظاهرات راه نمی‌اندرند، بلکه می‌روند افراد مؤثر را توجیه می‌کنند. متأسفانه ایران در آمریکا بتیم است. ما باید بدانیم که محل لابی، واشنگتن است و همه کشورهای اروپایی و عربی و صهیونیست‌ها در واشنگتن لابی دارند، نه کشورهای ضعیف.

تابناک: آن گونه که من از سخنان شما درمی‌یابم، آن است که می‌خواهید به نوعی نقش لابی ایران در آمریکا را بازی می‌کنید، اما برخلاف همه لایبست‌ها، در رسانه‌ها بسیار ظاهر می‌شوید، در صورتی که مثلاً عوامل لابی صهیونیستی از ظاهر شدن در رسانه‌ها همواره خودداری کرده‌اند. آیا قصد شما به جای گفت‌وگو با مقامات ایرانی، یک نوع جریان‌سازی در نشریات و رسانه‌ها نیست، تا مقامات را به حضور در پای میز مذاکرات دو جانبه وادار کنید؟

امیراحمدی: نه من قویا این گمانه را رد می‌کنم. این رسانه‌ها هستند که به سراغ من می‌آیند و خوب به دلایلی ترجیح می‌دهم که شفاف حرکت کنم و از سوی دیگر، من یک استاد دانشگاه هستم و گمان می‌کنم وظیفه‌ام، نوشتن و مصاحبه است و از سوی دیگر، تلاشم که پیامی از سوی مقامات ایرانی برای مقامات آمریکایی ببرم و حرکت‌هایی همچون تشکیل گروه صلح، تجمع، راهپیمایی در آمریکا و اروپا علیه جنگ و تشکیل گروه‌های اینترنتی و جمع کردن امضا و فرستادن ایمیل را نه تنها کارساز نمی‌دانم، بلکه یک کار خام و بچه‌گانه می‌دانم، همان گونه که همین گروه صلحی که خانم شیرین عبادی تشکیل داده بود، تنها توانسته بهانه‌ای جدید به دست آمریکا بدهد تا بحث حقوق بشر در ایران توسط برخی از رسانه‌های آمریکایی هر روز مطرح شود.

تابناک: چند وقتی است که شما در رفت‌وآمد بین ایران و آمریکا هستید و حتی چندین بار در زمان ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد حتی با وی و اعضای کابینه وی دیدار داشته‌اید. با توجه به حضور ویلیام برنز در مذاکرات دور آتی، روند مناسبات ایران و آمریکا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امیراحمدی: نخست به این اشاره کنم که ویلیام برنز، برخلاف «نیکلاس»، آدم مثبت و عملگراتری است و این یک موضوع امیدوارکننده است و دوم آن که بر خلاف دو رئیس‌جمهور پیشین، احمدی‌نژاد نسبت به ریشه مشکلات ایران و آمریکا به درستی دریافته‌اند که مشکل بین دو کشور، مسایل سیاسی است و اقدامات وی را در این زمینه خوب ارزیابی می‌کنیم.

تابناک: خیلی پافشاری دارید بر این که گفت‌وگوهای شما با مقامات ایران مخفی بماند و حاضر نیستید در دیدارهای خود گفت‌وگو کنید. علت این امر چیست؟

امیراحمدی: این خواسته من نیست. متأسفانه مسئولان ایران بر پنهان ماندن دیپلماسی خود با آمریکا زیاد اصرار دارند. گاه من با کسی صحبت می‌کنم و رسانه‌ها می‌زنند و بعد تکذیب می‌شود و اعتبار من در برابر طرف آمریکایی خدشه‌دار می‌شود؛ برای نمونه، پس از حمله آمریکا به افغانستان، ایران هر کمکی می‌توانست، به آمریکا کرد و اگر من بودم، هر کمکی را هزاران برابر بزرگتر در بوق و کرنا می‌کردم و طوری جلوه می‌دادم که گویا افغانستان را ایران به آمریکا هدیه کرده است، ولی آمریکایی‌ها از کاه کوه می‌سازند و الان در تمام جهان این‌گونه مطرح است که این ایران است که حاضر نیست از راه دیپلماسی موضوع را حل کند. پس از اشغال افغانستان، هنگامی که جورج بوش ایران را جزو لیست محور شرارت اعلام کرد، تازه ایرانی‌ها، رسماً اعلام کردند که آمریکا را در جنگ افغانستان پاری کرده‌اند.

تابناک: همان‌گونه که می‌دانید، تا چند ماه بعد، دولت آمریکا تغییر خواهد کرد و با توجه به نظرسنجی‌ها، دمکرات‌ها به رهبری اوباما، شانس بیشتری برای حضور در کاخ سفید دارند. تأثیر این تغییر و تحولات را در روند گفت‌وگوهای احتمالی ایران و آمریکا چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امیراحمدی: تاریخ نشان داده است که دولت‌های آمریکا هنگام رفتن، بهتر امتیاز می‌دهند. پس اگر قرار بر مذاکره است، مناسبتر است که در همین زمان انجام شود، چرا که به نظر می‌رسد این مذاکره تأثیر مثبتی برای جمهوریخواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری خواهد داشت، برای این که بوش حاضر است در این زمان امتیازهای بیشتری بدهد. اگر به یاد داشته باشید، کلینتون در دور نخست، هر چه تحریم بود، علیه ایران وضع کرد، ولی در دور دوم، حتی حاضر به عذرخواهی از ایران هم شد.

به علاوه، اصولاً در برنامه‌های برون‌مرزی آمریکا تفاوت چندانی بین دمکرات و جمهوریخواه نیست، این دمکرات‌ها بودند که جنگ ویتنام را ادامه دادند، یا حمله اول به عراق را آغاز کردند. هرچند اوباما از جمله سیاستمداران آمریکایی است که با دید مثبت به مناسبات ایران و آمریکا می‌نگرد. در دیپلماسی می‌گویند سه چیز مهم است: زمان، زمان، زمان. ما بیشتر هم در زمان‌سنجی اشتباه کردیم؛ مثلاً، اگر گروه‌ها را به کارتر می‌دادیم، کارتر هر چه داشت، به ما می‌داد، ولی آنها را آنقدر نگه داشتیم تا مفت و مجانی به ریگان دادیم و در عمل سودی هم برای ما نداشت. برای همین اگر قرار است بحث ایران و آمریکا انجام شود، باید در این دوره آغاز شود تا بتوان در دوره اوباما، آن را ادامه داد، وگرنه اگر بخواهیم کلید این کار را در زمان اوباما بزنیم، باید توجه داشته باشیم که هر رئیس‌جمهوری در آغاز به کارش، بسیار کمتر از امتیازاتی که می‌دهد و تازه اسرانیلی‌ها بسیار با اوباما بی‌اعتمادند.

تابناک: و پرسش آخر؛ آیا آمریکا به ایران حمله نظامی خواهد کرد؟

امیراحمدی: خیر، آمریکا در این اوضاع و با بهانه غنی‌سازی یا هر مسئله‌ای از این قبیل، نمی‌تواند به ایران حمله کند و تاب تحمل فشارهای مردمی و رسانه‌ای داخلی و بین‌المللی را نخواهد داشت. مگر این‌که دوباره دشمنان ایران و آمریکا با یک حادثه‌آفرینی از نوع یازده سپتامبر، زمینه حمله آمریکا به ایران را آماده سازند و باز در این صورت، حمله آمریکا به ایران از نوع حمله به عراق و افغانستان نیست و برخوردها سطحی خواهد بود.

هم‌اکنون در آمریکا گروهی که مدافع منافع آمریکا هستند، با سیاست‌های بوش به شدت مخالفند و لابی‌های اسرائیلی، عرب و... از این جریان فکری به شدت احساس خطر می‌کنند، زیرا این گروه بر این باورند که منافع آمریکا در تأمین منافع اسرائیل و اعراب نیست. به نظر من، اگر بخواهیم گفت‌وگوهای ایران و آمریکا در بستری آرامتر انجام شود، باید به کشورهای عربی، اروپایی و... بفهمانیم که از برقراری این رابطه صدمه‌ای به آنها نمی‌رسد و مسلماً وقتی برداشت مقامات آنها مثبت شود، این کارشکنی‌هایی که بین دو کشور انجام می‌شود، کاهش می‌یابد؛ هرچند که عادی شدن مناسبات ایران و آمریکا، زبان‌های هنگفتی به منافع بیشتر کشورهای منطقه و صنعتی و اروپایی وارد خواهد کرد.